

## درباره آوانویسی پهلوی

محسن ابوالقاسمی<sup>۱</sup>

استاد بارتلمه گفته است که صامت‌های پهلوی را همان گونه که نوشته شده، باید خوانده شود مثلاً ت، پ، ... را باید t، p، ... خواند. (۱) در کلاس پهلوی که هرتسفلد (۲) در سال ۱۳۰۰ تاسیس کرد و در آن کلاس ملک الشعراء بهار و سید احمد کسروی تبریزی و غلامرضا رشید یاسمی، مجتبی مینوی و ... شرکت می‌کردند و تا سال ۱۳۰۵ ادامه داشت پهلوی به روش بارتلمه تدریس می‌شد. سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران تاسیس شد و دکتر روبین آبراهامیان (۳) که از دانشگاه پاریس دکتری گرفته بود متصدی کرسی پهلوی شد و به روش بارتلمه درس می‌داد. پس از رفتن دکتر آبراهامیان به ارمنستان در سال ۱۳۲۵ دکتر صادق کیا که شاگرد دکتر آبراهامیان بود روش بارتلمه را ادامه داد. در سال ۱۳۴۴ مهرداد بهار شاگرد مکنزی شروع به تدریس پهلوی با حضور دکتر کیا (یعنی دکتر کیا می‌رفت سر کلاسی که بهار درس می‌داد)، به روش مکنزی کرد. چون بهار مدرک دکتری نداشت خود نمی‌توانست متصدی درس شود. در نتیجه درس پهلوی را به نام دکتر کیا می‌نوشتند و در کنار نام او نام بهار نوشته می‌شد. روش بارتلمه و روش مکنزی تا سال ۱۳۵۷ یعنی سال انقلاب ادامه داشت. پس از انقلاب استادان قدیمی مانند فره‌وشی و نجم‌آبادی که روش بارتلمه را ادامه می‌دادند بازنشسته شدند و ماهیار نوایی که قبلاً بازنشسته شده بود و به شیراز رفته و در آنجا درس می‌داد. روش بارتلمه متروک شد و روش مکنزی غالب گشت. ماهیار نوایی آوانویسی مکنزی را آوانویسی اهریمنی می‌خواند. خود من هم روش مزدایی را ترک کردم و مکنزیست شدم (البته من خیلی کم پهلوی درس می‌دادم) آن هم به این علت بود که دیگران به روش مکنزی درس می‌دادند و من تنها ماندم. ولی علت عمده آن این بود که برخی از دانشجویان نزد کسانی درس می‌خواندند که روش بارتلمه را ادامه می‌دادند و برخی دیگر نزد کسانی که روش اهریمنی را انتخاب کرده بودند موقع امتحان دکتری روش بارتلمه را به کار می‌بردند و برخی دیگر روش مکنزی و برخی هم هر دو روش را مخلوط می‌کردند. کسانی که رد می‌شدند می‌گفتند ما روش قدیمی (روش بارتلمه را روش قدیمی می‌گفتند) خواندیم حال استاد و تصحیح کننده ورقه ما پیرو مکنزی است به ما نمره مردودی داده است. حال خر بیار و ادعاهای بیجا بار کن).

مکنزی (۴) می‌گوید کتاب‌های فارسی میانه زردشتی یا پهلوی در قرن سوم میلادی نوشته شده‌اند. از قرن سوم میلادی ما شاپورگان مانی را داریم، مانی زبان رایج زمان خود را به کار برده، ما هم پهلوی را

<sup>۱</sup> - استاد، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

باید مطابق فارسی میانه مانوی بخوانیم. این خوانش مثل این است که ما شاهنامه را به زبان گفتاری امروز تهران درآوریم. فردوسی گفته:

خروشان از آن درد باز آمدند شگفتی فرو مانده از کار زند

ما بیت بالا را برگردانیم به:

خروشون ازون درد باز اومدن شگفتی فرو مونده از کار زن

آیا به ما نمی‌خندند؟

تاریخ نوشته‌های پهلوی از قرن سوم پیش از میلاد و تاریخ نوشتن متون مانوی از قرن سوم پس از میلاد است. حال باید نگاه کنیم و ببینیم این دو زبان یکی هستند یا نه. خود مکتزی می‌گوید یکی نیستند، ویژگی‌های هر زبان را به شرح زیر ذکر می‌کنیم:

### ۱- از نظر آواشناسی تاریخی

در فارسی میانه زردشتی /d/ پس از /n/ ایرانی باستان باقی می‌ماند و در فارسی میانه مانوی بدل به /n/ می‌شود. فارسی دری هم چون دنباله فارسی میانه زردشتی است /d/ پس از نون باقی می‌ماند.

|               |                    |                   |           |
|---------------|--------------------|-------------------|-----------|
| ایرانی باستان | فارسی میانه زردشتی | فارسی میانه مانوی | فارسی دری |
| band-         | band-              | bann-             | بند-      |

در فارسی میانه زردشتی /θ/ میانی ایرانی باستان به /h/ بدل می‌شود اما در فارسی مانوی /d/ = ایرانی باستان (d = θ) بدل به /y/ می‌شود:

|               |                    |                   |           |
|---------------|--------------------|-------------------|-----------|
| ایرانی باستان | فارسی میانه زردشتی | فارسی میانه مانوی | فارسی دری |
| daθ- و dad-   |                    |                   |           |

هر دو ماده مضارع هستند از ریشه -dā: دادن.

|                    |                   |           |
|--------------------|-------------------|-----------|
| فارسی میانه زردشتی | فارسی میانه مانوی | فارسی دری |
| dah-               | day               | ده-       |

nč و nǰ ایرانی باستان در فارسی میانه زردشتی می‌شود nǰ، اما در فارسی میانه مانوی هر دو می‌شود nz و فارسی دری هم nǰ می‌شود.

|               |                    |                   |           |
|---------------|--------------------|-------------------|-----------|
| ایرانی باستان | فارسی میانه زردشتی | فارسی میانه مانوی | فارسی دری |
| panča-        | panǰ               | panz              | پنج       |
| hanǰamana-    | hanǰaman           | hanzam            | انجمن     |

ایرانی باستان /rd/ در فارسی میانه زردشتی /l/ و فارسی میانه مانوی /r/ و فارسی دری «ل» است.

|               |                    |                   |           |
|---------------|--------------------|-------------------|-----------|
| ایرانی باستان | فارسی میانه زردشتی | فارسی میانه مانوی | فارسی دری |
| sard          | sal                | sār               | سال       |

pati- ایرانی باستان: در لغاتی که این پیشوند آمده در فارسی میانه زردشتی -pat آمده و در برخی از واژه‌های فارسی میانه مانوی pahī و در برخی دیگر pay آمده است.

|               |                    |                   |           |
|---------------|--------------------|-------------------|-----------|
| ایرانی باستان | فارسی میانه زردشتی | فارسی میانه مانوی | فارسی دری |
| patikara-     | patkar             | pahikar           | پیکر      |

## ۲- از نظر صرفی

ایرانی باستان azam، فارسی میانه زردشتی az، فارسی میانه مانوی an است. هر سه ضمیر اول شخص مفرد حالت فاعلی هستند.

پسوند صفت تفضیلی با قاعده در فارسی میانه زردشتی tar- در فارسی میانه مانوی dar- است. حرف «تا» در فارسی میانه زردشتی tā و در فارسی میانه مانوی dā است.

نشانه جمع در فارسی میانه زردشتی ān- و در متون متاخر فارسی میانه زردشتی hā- است. در فارسی میانه مانوی ām-، īn-، ūn- است.

بازمانده‌های فعل آغازی ایرانی باستان از فعل متعدی در فارسی میانه مانوی فعل لازم در برابر غیر آغازی است.

|               |                   |            |
|---------------|-------------------|------------|
| ایرانی باستان | فارسی میانه مانوی |            |
| ā - maija     | āmēz              | آمیختن     |
| ā - mix-sa-   | āmixs             | آمیخته شدن |
| ham-mauča     | hammōz            | آموختن     |
| ham-mux-sa    | hammuxs           | یادگرفتن   |

در فارسی میانه زردشتی و در فارسی دری که دنباله آن است فرقی میان بازمانده‌های فعل آغازی و غیرآغازی نیست.

به کار بردن لفظی در فارسی میانه زردشتی و لفظی دیگر در زبان فارسی میانه مانوی.

|                   |                    |
|-------------------|--------------------|
| فارسی میانه مانوی | فارسی میانه زردشتی |
| hēb               | ē(w)               |

هر دو پیش از فعل تمنایی و اخباری می‌آیند و فعل اخباری را تمنایی می‌کنند.

در هر دو فارسی میانه، زردشتی و مانوی واژه‌هایی به کار رفته که اختصاص به خودشان دارد. در فارسی میانه ترفانی واژه‌های دخیل هست، ولی در فارسی میانه زردشتی آن واژه‌ها نیست.

فارسی میانه مانوی *ahrēwar*: گودال اهریمنی، *andraxt*: شکست خورده، *ābgānag*:

فرزند(اهریمنی)

فارسی میانه زردشتی *ēbsrūsrim*: نام یکی از گاه‌ها، از غروب آفتاب تا نیمه شب، *ušahin*: نام یکی از گاه‌ها از نیمه شب تا بامداد، *wišūtak*: بچه( اهریمنی معادل فارسی میانه مانوی آن *guhudag*

در فارسی میانه مانوی واژه‌هایی تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند، در حالی که در فارسی میانه زردشتی چنین چیزی نیست. در فارسی میانه مانوی *waxš* یونانی *logos*، عربی کلمه هر سه به معنی روح، *dašēzadagān* سریانی *banyā yāminā* عربی « اصحاب المیمنه » هر سه به معنی نیکوکاران.

مگر فرق پهلوی اشکانی با فارسی میانه زردشتی و فارسی میانه مانوی چقدر است که آن یک زبان است و فارسی میانه زبان دیگر؟

مکنزی به پیروی از بارتلمه می‌گوید فارسی میانه، هر دو، زردشتی و مانوی ۱۰ مصوت داشته است، پنج بلند: *ā, ē, o, ū* و پنج مصوت کوتاه: *a, i, e, u*، فارسی میانه که دنباله فارسی میانه زردشتی است هشت مصوت دارد، پنج بلند: *ā, ē, o, ū* و سه کوتاه *a, i, u*. مکنزی */mih, wēh /wih*، *keh, meh, weh* را *Δ)kēh /kih, mēh*، *me, mīe, ke*، کیه «آمده است. مکنزی پسوند عدد ترتیبی را *om* داده است. در حالی که در فارسی با ضمه است یعنی *u*. جالب است خود مکنزی چهارم را *tasum* آوانویسی کرده است.

شاید استاد مکنزی دلش برای فارسی سوخته که ۸ مصوت دارد در حالی که انگلیسی ۲۲ مصوت دارد، البته مکنزی اسکاتلندی است.

در این جا لازم است گفته شود که در برخی مناطق ایران خصوصاً اصفهان هنوز مصوت‌های فارسی امروز را به سبک فارسی دری ادا می‌کنند.

«*Kitabi man nazdi šumās*»(۶)

## یادداشت

1- Bartholomae, Chr., Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes, XIV. S. 180.

جشن‌نامه Pavry چاپ آکسفورد ۱۹۳۳، ص: ۳۳۸، مقاله نیرگ.

- ۲- بهار، ویژه‌نامه همایش بزرگداشت ملک‌الشعراء بهار، اردیبهشت ۱۳۸۳: ۱۵.
- ۳- دکتر روبین آبراهامیان متولد ارمنستان بود و در ارمنستان درگذشت. زاده ۱۸۸۱ و مرگ ۱۹۵۱.
- 4- Mackenzie, D. N.. Notes on the Transcription of Pahlavi, P. 17-29, BSOAS, Vol. 30. 1967.
- ۵- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۲). دستور تاریخی فارسی، تهران ۱۳۹۲: ۵۸.
- ۶- برای واژه‌های فارسی میانه زردشتی و مانوی به فرهنگ کوچک زبان پهلوی از مکنزی و فرهنگ واژه‌های متون مانوی از مری بویس مراجعه شده است.

س ک ر ا و

---